

مدیر کل

جلال‌الدین الحسینی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
و یومیه (جلالتین)
(عنوان مراسلات)
طهران خیابان لاله زار
نایب مدیر مبرز سید حسن کاشانی
دیر اداره آشیخ یحیی کاشانی
غیر از روزهای جمعه همه روز
نفع و توزیع میشود

یومیه

سَبَلِ الْمَلِئِینِ

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالیانه

طهران ۴۰ قران
سایر بلاد داخله ۴۵ قران
روسیه و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک
(قیمت يك نسخه)
در طهران يكصد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است
قیمت اعلان سطر
دو قران است

(روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه)
(بامضا قبول و در انتشارش اداره آزاد است و مطلقا مسترد نمی شود)

دو شنبه ۱ ذی الحجه ۱۳۲۵ هجری قمری و ۲۱ دیماه ۸۲۹ و ۶ ژانویه ۱۹۰۸ میلادی

بجانب شما دوسه نفر است که از شدت غرض و هوای نفس ملاحظه بیش پای خود را نمیکنید و بطمع دستمال موهومی قیصریه را آتش میزنید ما را باشما دوگانه حرفست (رب اشرح لی صدری و یسر لی امری واحمل عقده من لسانی حتی یفقهو اقولی) سه مطلب بر من مشکل شده که هرچه فکر میکنم راه حلش بدست نمیآید و خیلی خیال مرا بزحمت انداخته اگر جواب صحیحی بدهید نهایت منت را بر من دارید اول آنکه شما بچه زبان حرف میزنید و حرف میشنوید یعنی از این لغات مختلفه از فارسی عربی فرانسه غیره بکدام لغت متکلم میشوید دوم آنکه از این ادیان مختلفه از نصرانی و یهودی و برهمنی و بودائی و مسلم و مجوس و غیره باشعب مختلفه که دارند از دین واقعی که شما باو متدینید کدامت سوم آنکه آیا در شما قوه متفکره هست یا نیست خواهید گفت این چه سئوالا نیست که مشکل شده و مطالبه جواب هم میکی عرض میکنم اینمطلب را نقرمائید زیرا که هر یک از این سه سئوال بدلی بر من مشکل شده مثلا اگر بگوئید ما با فارسی تکلم می کنیم هر که قبول نخواهیم کرد زیرا که می بینیم دو سالست تمام این ملة از صغیر و کبیر از اطراف و سرحدات تا پاتخت این مملکت صدا بصدای هم داده شب و روز فریاد میکنند الامان الفیث سوختیم ظلم تا کی برای خدا برای رسول بر ما رحم کنید بداد ما برسید عصمتان رفت مالمان تاراج شد زنايمان اسیر شدند آخر ما مسلمایم آخر ما بنده خدایم آنچه بنا از ظلم و تعدی میرسد (مسلمان نشنود کافر نیند) با آنکه فقهاشان بچرخ هفتمین رسیده و تمام ساکنین کره زمین شنیدند شما نشنیدماید لابد اگر می شنیدید جوانی میدادید یقین دارم شما خیلی روف و مهربان و رعیت پرورید دل شما از آهن و روی

رجال خودخواه و خائنین گمراه
مامله بخت برکشته چگونه بشما حالی کنیم که ما هم مثل شما مخلوق هستیم تعظیم و سجده کنیم اطاعة شما را چون اطاعة خدا و رسول بر خود واجب دانیم باز که قابل ترحم شما نمیشویم بلکه با تسلیم محض بودن ما جان و مال ما را غارت میکنید بناموس مان دست بی عصمتی میکشاید چنانکه تا حال همه قسم در اطاعة شما حاضر بود ایم و هیچ گونه از جور و ظلم کوتاهی نکرده ایم باینکه هم ما را مسلم و هم خود را مسلمان میدانید از شدت ظلم و بیداد شما بتک می آیم و فریاد میکنیم که شما مسلمان با ما مسلمان همان معامله که با کفار می کنند با ما کنید کونش نمی کنید پس از هزار صدمات و ملامتی اذلاف مال و نفوس و پناه بردن از تعدیات شما مسلمان بکافر و ملتجی شدن از جور شما خویشان به بیگانه حقوق مشروع خود را که خدا و رسول مقرر کرده میکشیم و مجلس شورا می میکنیم که رفع ذلت های بی اندازه و جبران شکسته کیمای خود را بنمائیم و از غایب سلیم الفطری که (عقیده عماسلف) را که در صدر اسلام و مخصوص جمعی بوده در حق شما میکشیم و از کردهای شما انقض می کنیم که با ما همدست شده دین و وطن خود را از گرداب نکت و قسا نجات دهیم — باز هر روز در یک گوشه آتش فتنه برپای کنید و اسباب قتل و غارت فراهم مینمایید و خون مسلمین را میریزید که شاید بساط برچیده شما گسترده شود یکدیگر قیقه این کشتی شکست خورده را ساکن نمیکذارید اگر چه حسن اغلی از بزرگان و سرکردگان و سرداران بحمد الله بیدار و از ضعف و بیجاری دولت و ملة خبردار شده اند و در حفظ اساس مشروطه جان و مال حاضرند و ملة نیز نهایت تشکر را از آنان دارد ولی روی سخن

نیست فرضا هر دل که از سزک سخت تر باشد اینهمه استغاثه
مظلومات را بشود رحم خواهد کرد همانا شما زبان آن بچار
کاترا نمیدانید که جواب نمیدهید پس از زبانی که شما با او مکالمه
میکنید بفرمائید تا ملامت از شما باز زبان طلب رحم و مروت کنند
دیگر بدین که بدانیم چه دینی دارید و بجه معتقدید که در وقت
قسم دادن شمارا بان آئینی که دارید سوگند دهیم آفتاب
ماه . بت . طلا . نقره . جواهرات . هر چه باشد از زبان
حرف خین میرنجید که یعنی چه ؟ ماهم مثل شما مسلمانی
مملکت مملکت اسلام دین دین اسلام پادشاه پادشاه اسلام و وظل الله
تمام یک خدا داریم و بیک رسول معتقدیم در اصول و فروع
همه با هم شریکیم متبها مقتضیات دوره و استعداد ذاتی و
قابلیت ما مارا امیر و وزیر کرده و شمارا رعیه و فقیر و الا در
مسئله دین همه یکی هستیم عرض میکنم قبول دارم ولی یک
سؤال اینجا میکنم حالا که شما بقول خودتان از استعداد و
ولیاقتان بر ما میرشدید آیا شما متشخص ترید یا امیر المؤمنین
ع آخر ان جناب هم بر مسلمین ریاست داشتند و حواشی و
مخصوصاتش از بزرگان اسلام بودند آیا آنها هم با سایر مسلمین
اینگونه سلوک میکردند ؟ و بمسلمانان اینهمه جور و ستم
روا می داشتند ؟ یا آنکه اگر می شنیدند در اقصا بلاد
عالم مال مسلمانی بیغمار رفته و بمسلمی ظلم شده آرام
نمیگرفتند راحت نمی خوایدند تا آن مسلم را آسوده
و راحت میکردند میدانم اینجا یک مصراعی حفظ دارید
و جواب میدهید (کار پاکزرا قیاس از ما مکیتر چشم . .
در آنها یک غاصب و مخالف بودند چه میگوئید ؟ نجبان
امروزی چه میکنند ؟ خوب شما مسلمان آیا معتقد بودن
بشرایع اسلام لازمه مسلمانی نیست ؟ آیا قرآن مبین کتاب
اسلام و قانون مسلمین نیست ؟ آیا محترم تر از قرآن در
میان امة چیزی هست ؟ شما مسلمان دیروز بود که آمدید
بمجلس مقدس و بهمین کتاب آسمانی قسم یاد کردید که
در حفظ اساس مشروطیت و اجرای قوانین مجلس جا مانا
و ملا حاضر باشید امنیت و آسایش بلاد را بر عهده گرفتید
و بدون هیچ خدمتی ملة را بصدافتی که دارند از خود ممنون
کردید چه شد ؟ که باز قیل شما بیاد هندوستان افتاد
قصد قول کردید عهد نامه بسته شکستید احترام کتاب
خدا را بردید ملت را بجان یکدیگر ریخته آتش فتنه را
دامن زدید این است معنی مسلمانی (وای اگر از پی
امروز بود فردائی) خوب قصص عهد و پیمان و بی
اعتقادی بقرآن بنامد یکی از احکام متقنه اسلام منع قتال
است در ماههای حرام که رجب و ذیقعدة و ذیحجه و محرم
باشد که حتمالی قتال را در این چهار ماه ولو با کفار حرام
فرموده در جنگ صفین از لشکر معاویه ابن ابی سفیان
با آنشتاوتهای بی پایان بواسطه حرمت این ماهها هیچیک

دست بشمشیر نکردند و دو لشکر در کال آرامی مقابل
یکدیگر توقف نمودند تا غره صفر آشکار شد اگر
یکسفر از هر اردوئی با بدوی دیگر میرفت ابتدا کسی
متعرض نمیشد بواسطه نبی صاحب شریعت از قتال تا
ماههای حرام گذشت آنوقت شروع بچنگ کردند
شما پیروان اسلام و تابعان احکام قرآن در ماه حرام
تنگ و آلات حرب بیچاره عوام دادید که مسلما ناترا قتل
کنند مسلماً دفاع از طرف شما نبوده زیرا که کسی
قصد شمارا نکرده بود بلکه شما قصد دیگرانرا داشتید
مگر اینکه بگوئید معاویه و پیروانش بهتر از ما بودند و به
احکام قرآنی پیش از ما معتقد بودند و نیز از بدو اسلام
تا کنون جز وقعه کربلا چنگی در ماه حرام اتفاق نیفتاده
پس لابد باید بگوئید ما از همان اشخاصی هستیم که با
فرزند پیغمبر مقاتله کردند مگر اینکه بگوئید جناب شیخ
قوی داده بر اینکه قتل در ایامه حلالست و رفع حرمتش
شداق بر این مسلمانی آیا شرع در باره اینگونه مسلمین
چه حکم فرماید من قسم میخورم که آنیکه باعث قتل
تنوس مسلمانان شدند از اول دوره مشروطیت تا کنون
بصاحب شریعت از شمر و سنان بهتر نیستند ملا نماهائی
که بضد عدالة و مساوات بر میخیزند و باسم دلسوزی دین
تقویة از ظالمین میکنند و باعث قتل مسلمین میکنند
بمحین ابن علی از ملاهای کوفه و شام بیدین ترند والله
شریح قضی صدر مراتب از اینها بهتر است وای بر مملکت
اسلامی که بزرگان و حکمرانانش اینگونه تابع اسلام باشند . .
سخن مطول شد و یک سؤال دیگرم ماند و آن این بود
که آیا شمارا قوه متفکره هست یا نیست ؟ و این اسبابها را
که در بهم زدن مجلس مقدس و فراهم کردن استعداد می
چینید صرفه برای مملکت و اعلیحضرت و ملة ملاحظه می
کنید یا نه ؟ فقط ملاحظه صرفه خود را میکنید . در صورتی
که تنها ملاحظه صرفه خود را کنید آیا صرفه دائمرا
منظور دارید یا صرفه موقتی را غرض آنست که هیچ فکر
در اینکارها میکنید یا نه ؟ مجلس مقدسرا یا ناقص یا کامل
اسباب هلاکت ملة میدانید یا اسباب نجاتشان ؟ این مجلس
میخواهد پادشاهرا تالی میکادو کند و نام مبارکش را در
تمام روی زمین بعظمة بلند سازد . یا اسیر ظلم چند نفر
متبذره دولت کش خود پرور . مجلس میخواهد خزانه
دولت را پر کند یا مواد ناقصه ایرانرا کرو صد کرور قرض
دیگر دهد . این مجلس میخواهد دو میلیون لشکر تحت
السلح در رکاب شاهنشاه حاضر نماید یا میخواهد یکمشت
قصاب و هیزم شکر جمع کرده مدرس جا بزازان ملة قرار
دهد و بر علیه ایشان وا دارد قشون عثمانی و ترکان زنان
مسلمانرا اسیر کرده بپرند و اینان اینجا دکانهای

طهران را بجا بیاورد این مجلس می خواهد دولت اسلام را از ذلت برهاند و تئود بن کانه کازرا جلو گیری کند که شما در برابر يك جنرال فونبول بیگانه مثل بیدنلر زید و عقل خود را کم کرده مات و مبهوت نماید و دوازده بانازه ضعیف نماید که يك نفر مشاق و معلم بیگانه که هیچ عنوانی جز تعلیم در مملکت ندارد سردار و سپه سالار شود و از برای خدمت بدولت متبوعه خود خود را حامی و مددکار قلم داده آنکست بشیر زند تاملایه برای خود حاصل کند دولت و ملت را بهم ریخته از میان دوسنگ آرد بکشد و سلب امنیت در مملکت نموده آنوقت بهانه بدست آورد و با هم خیالان خود مدام در اینکار باشد و بهمه جا راه یافته شب و روز از برای اجرای خیالات خود از با تشبند و مشغول کار باشند . . . نمدانم شما چه میگوئید و در چه خیالید خداوند بر این مملکت و مملکتی که این گونه در شرف زوال و دچار مذلتند رحمی فرماید شما شبانان عوض آنکه ما را از شر کرکان حفظ کنید خودتان حمله کرده مارا خفه می کنید و کرکان خون خوار را بر ما مسلط مینماید بجای آنکه باغ مملکت را آبیاری کرده از اشجارش ثمری ببرید بدست خود تیشه بر ریشه درختان میزنید چیزی که در فکرتان نیستد آسایش ملة حریف را که نمی زنید استقلال دولة اندیشه که ندارید بقای اسلامیه غصه که ندارید زوال سلطنته آخر یکساعه فکر آتیه مملکت باشید و خطر آنکه در پیش دارد ملاحظه کنید بحال خود رحم کنید شما که خود را دولتخواه و شاه پرست قلم داده اید کاری نکنید که خدای نکرده بجای اعلیحضرت (ادوارد) (و نیکلای) را در منابر دعا کننداگر میگوئید در سلطنته مسنده مملکت آبادتر از مشروطه میشود موازنه کنید ضعیفترین دول مشروطه را با قویترین سلطنته مستغله اکر در استبداد ملک آباد میشود چرا اینگونه این مملکت خراب و دولة ضعیف گشته چرا ایران از آنچه بوده تلتش نمانده اکر میگوئید از اقتدار سلطان در مشروطیه کاسته میشود مقایسه کنید سلطنته انگلیس و الماترا با روس و روم به بیند ملک کدام يك آبادتر و سلاطین کدام متشخص تر و مقتدر ترند کدام يك در پیش ملة از جان عزیز ترند اکر قوه متفکره داشتید اقتدر می فهمیدید مجلسی را که سی کرور نفوس با انهمه خوندل بر پا کرده اند و زمینش بتمام روی زمین معرفی شده بجمع کردن قاطرجی و ساربان از میان می رود کیرم بهارستان را بخون کشیده با خاک یکسان کردید فرضاً و کلارا کشته و دو کرور دیگر را بقتل رسانیدید مشروطه قائم تر میشود و مجلس از بین نخواهد رفت (حتی یلیج الجبل من سم الخياط) تقی زاده برود تقی زاده میاید . سید جمال نباشد سیدکمال میشود . روزنامه موقوف شود شب نامه پیدا خواهد شد . دوره استبداد

وقتی دست میدهد که چرخ دوار دوار از سر کبیرد خوبست در کارها فکر نمایند یا تصور دنیا یا ملاحظه آخر ترا کنید زحمت بخود نکشید آنچه توانستید کردید برا دران دینی ما را بقتل رسانیدید با اینکه همه اهل توجه بودند نه داعیه حکومت داشتند نه طالب ریاست بودند بجه سبب خون آنها مباح شد پس معلوم شد مخالف مجلس مخالف دین و دولت است مجلس میخواهد عصمة مسلمانان را از بی ناموسی کفار محافظه کند مجلسیان میگویند وطن ما مشرف بموت است هشتاد کرور رعیت از ظلم به سی کرور رسیده تمام مزدور خارجه شده اند امروز یا فردا دین وطن عصمة همه بدست خارجه می افتد قرآن از میان میرود دختران شما هم بسترصالنات خارجه خواهند شد (قوموا واستججوا یا ایها الالهالکین) برخیزید اتفاق کنید شرف ملیة خود را حفظ کنید اکر چه اینها بخرج شما نخواهد رفت که نه بک از زوال سلطنت دارید و نه بک از اضمحلال ملة اکر بگویم لا اقل بر خود و اخلاف خود رحم کنید و دل من باین عزت و جلال شما میسوزد که از دست خواهد رفت هرگز قبول نخواهید کرد و خواهیید گفت دایه مهربانتر از مادر مشو کریم کردن پیش از صاحب عزت کوری میاورد راست هم میگوئید ولی من هم بک و بپوست کننده عرض کنم که ما ابا غصه زوال استقلال شمارتانی بخوریم و دلگیری از رفتن عزت شما نداریم زیرا که تا بحال یکذره راحتی از رعیتی شما ندیده ایم که دل خوشی از شما داشته باشیم ولی میگوئیم اکر سلطنته قوم را ملا حظت نمیکند و مسلمانان پیش از این در تخریب این دین نکوشید زیرا که خزان مملکت و ریثاتی ملة صغری و کبرایست که نتیجه اش تسلط اجانب است البته در این صورت این صودت ظاهر اسلام هم از دست خواهد رفت بعد از اینهمه که گفتیم استدعای دیگر آنستکه آنچه در قوه دارید بعرصه ظهور بیاورید تا استعداد شما و قوت بازوی ما شناخته شود

(یا مسلمان باش یا کافر در رانگی تا یکی)

(خلاصه مذاکرات دار الشوری شب ۲۹ ذیقعد)
مذاکره در خصوص خالصه و عدم مداخله اقبال الدوله و اینکه چرا دوازده هزار تومان که هر ساله بطریق استصوابی می بردند امسال هم ببرند شده بود گفته شد که کمیون مالیه برای تسهیل و اخذ عمل امساله این دوازده هزار تومان را باقبال الدوله و کمپانی بخشیده در این خصوص و خصوص عدم مداخله اقبال الدوله زیاده مانا کرده شد بالاخره قرار شد صورت رای و قرار داد مجلس که در دفتر ثبت است رجوع شود و بهمان طریق رفتار شود و اقبال الدوله هم دیگر مداخله در امور خالصه نکند

تلگرافی از سپهدار بوزارت داخله قرائت شد که

چند نفر از اسراء استرداد و چند نفر دیگر را هم می آورند
باقی لازم باستمداد است که باید فرستاده شود و این اسراء
تسلیم صاحبانش شده مخارج برای آنها لازم است کتبه
شد که باید از وزارت داخله خواست

تلگرافی از کنکره و مجمع جوانان ترقی و آزادی
طالبان عثمان در پاریس بمجلس مقدس قرائت شد که مشتمل
بود بر تبریک و اظهار معاونت و کمک قلبی و اینکه بهمت
شورای مل اتحاد بین دولتین مستحکم تر خواهد شد و
ترقی مملکت آسیرا همیشه طالب و متحنی بودیم قرار شد که از
تلگراف تشکر آمیزی در جواب بخاربه شود اظهار شد که از
طرف مجلس در این ایام انقلاب که معلوم نبود عاقبت آن یادولت
چه خواهد بود کاغذی بنام سفراء دول متحابه نوشته شده و
جوابی هم از بعضی آمده و از سایرین هم خواهد رسید قرائت
میشود کاغذ مجلس مبتی بود بر اظهار فساد مفسدین و القاء شبهه
در خواطر مبارک همیون که قصد تحریک این اسان مقدس نمودند
و هرگاه مفسدین بخوانند بدان عادات ذمینه و استبداد دست بر
ندارند و باعث شورش و انقلاب در مملکت بشوند ملاحظه
بدقاع است در این موقع لازم است که بفرء دول متحابه اخطار شده
تجویز فرمایند که حقوق مشرعه مملکت با مال شود جواب از سفارت
سنه روس قرائت شد که حاوی بود بر اینکه مراسم مجلس عز وصول
یافته از آنجائی که همیشه دوستدار دولت علیه بوده و استقلال
اورا خواهان از حیات انسانیت و نوع پروری ضال
ترقی و تمدن ملت میباشیم از احساساتیکه در این مدت شده
و از اعلی حضرت سفاهاً شنیده شد هیچوقت سوء قصدی در
باره پارتان من نداشتیم و ندارند و از امروز دوستدار اطمینان
حاصل کرده موافق قسم و عهدی که اعلی حضرت فرمودند
در آیه موافق قانون اساسی و با اتحاد مجلس شورای
منی عمل و رفتار فرمایند و جوایک از طرف سفارت
فخیمه انگلیس بهمین مضمون رسیده بود قرائت شد گفته
شد که مجلس بیان نامه فرستاده بودند نه مراسم که در جواب
نوشتند اظهار امتنان از همراهی و اتحاد سفراء معظمه شده
در خصوص مالیه اظهار شد که باید وزیر مالیه از وصول
و عدم وصول مالیات امساله توضیح بدهند گفته شد که در
کیسیون اظهار داشتند که تلگراف تمام ولایات در وصول
مالیات شده گفته شد که باید این اظهار در مجلس رسمی
باشد از نمایای مالیات سال گذشته نزد حکام مذاکره شد
که چرا وصول نمیکند و هم ذخیره ولایات که بی ترتیب
است و متعلق بوزیر جنگ باید تا یک در اقدام اینها بشود
اظهار شد که کیسیون آسباب صلاح دانسته که اهل
حضرت عبد العظیم بکنفر وکیل انتخاب نمایند مجلس هم
تصویب نمود گفته شد که وکلاء ایلات باید خواسته شود و
مختارند که از هر کجا هر کس را وکیل نمایند گفته شد که

باید از خود ایلات باشد (مجلس ختم شد)

﴿ تلگراف از شیراز — بطهران ﴾

توسط جناب آقای صدرا الانام دامت برکاته بساحت
مقدس وکلای مجلس مقدس شیدانه ارکانه و عموم انجمنها
و جراید مشروطه خواه در یکسال قبل انقصاد انجمن
اسلامی برای همراهی با اساس مقدس مشروطه و پیشرفت
انجمن ایالتی شیراز بود و داعیان از اعضای اساس انجمن
اسلامی بودیم بعد از اتقنای اجتمع اول سال معلوم شد
که قریب پانزده نفر مقصد بفرس داخل این انجمن اسلامی
شده اند و برای پیشرفت مقاصد و اعراض شخصی خودشان
انجمن اسلامی را ملعبه قرار داده اند قریب پنج شش ماه
است که داعیان از انجمن اسلامی استعفا داده این اوقات
آن چند نفر مقصد بفرس تماماً باسم هیئت انجمن اسلامی
تلگرافات و مکاتبات به بلاد ایران و مجلس مقدس می نمایند
و در روزناحیات باسم انجمن اسلامی درج می شود فقط
مهر انجمن نزد بکنفر از مفسدین است قریب شش ماه
است هر چه تلگراف و مکاتبات باسم انجمن اسلامی می کنند
اعتباری ندارد و برای رفع اشتباه شرح حال خودمان را
معروض داشتیم نظامنامه داخل انجمن اسلامی در طهران
و نزد وکلای فرس موجود است ملاحظه فرمائید اسم
تمام داعیان در او درج است بواسطه فساد و غرض آن چند
نفرش ما دست از عضویت انجمن اسلامی استعفا داده ایم هر چه
تلگراف باسم انجمن اسلامی کنند چند نفر مقصد می کنند اعتباری
ندارد فقط همان مهر انجمن اسلامی را میزنند ماها خبر نداریم
بسم الله داعی مدتی است که از انجمن اسلامی کناره نموده ام
احقر جمال الدین الشریف داعی دوام دولت مدتی میباشد
از انجمن اسلامی کناره کشیده ام بواسطه اعراض شخصی
الاقبل مشایخ علاء الدین بحرانی ، خادم شریعت سید
نور الدین ، احقر سید احمد پیش نماز ، عطاء الله صدر
دیوانخانه ، العبد میرزا سید محمد ، احقر حاجی ملا محمد
، احقر علماء میرزا کمال الدین ، معین الاسلام روحانی
شیخ عبدالحسین ، احقر شیخ محمد واعظ ، حاجی سید ابراهیم
، حاجی میرزا عبد الله خان ، اقل شیخ محمد رضا ، اقل
طلاب میرزا محمد ، میرزا محمد تقی ، محمد هاشم ، العبد
میرزا محمد حسن ، میرزا محمد رضا ، احقر میرزا علی حاجی
میرزا حسین ، حاجی میرزا خلیل صراف ، حاجی میرزا حسن
نمازی ، احقر میرزا سید احمد ، العبد شیخ هدایت ، اقل
السادات سید محمد ، احقر سید جواد ، عبد العلی ، حیدر
چهرمی ، میرزا اسد الله خان ، اقل السادات سید محمد
(حسن الحسینی الکاشانی)